

محمد عبداللهیان

## دعا هنگام خروج از منزل

برخی از نکات و درس‌ها وجود دارد که انسان آنها را از اساتید خود فرا می‌گیرد که باعث سرمشق گرفتن و الگو گرفتن خود انسان و دیگران می‌شود و به عبارت دیگر این‌ها را می‌شود به دوره‌های زندگی انسان تعبیر کرد انسان در هر دوره درس‌هایی از اساتید بزرگان خود می‌آموزد که حیث است آن‌ها را سرلوحه کار خود قرار ندهد و به دیگران منتقل نکند.

یکی از این درس‌آموزها در باب دعای سفر و بیرون رفتن از منزل است. این دعا از امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌باشد که البته تنها مربوط به مسافرت نیست بلکه هنگام بیرون رفتن از منزل به منظور کارهای روزانه نیز کاربرد دارد و هر روز که انسان از منزل بیرون می‌رود به قصد اینکه تا هنگام بازگشت سالم بماند و از بلاها و گرفتاری‌ها در امان باشد و به خیر و خوشی به همان نقطه باز گردد، خواندن این دعا سفارش شده است. شخصی امام صادق<sup>(ع)</sup> را هنگام خروج از منزل مشاهده کرد که بر در خانه توقف کردند و لبان آن حضرت تکان می‌خورد، گویا چیزی را زیر لب زمزمه می‌کردند (آن شخص که متوجه عمل و رفتار حضرت شد) به حضرت عرض کرد که من متوجه شدم که شما هنگام خروج از منزل بر درب می‌ایستید و چیزی را می‌خوانید آن را بیان فرمایید. حضرت فرمودند: هر کسی هنگام بیرون رفتن از منزل این دعا را بخواند در ضمانت خداوند است تا اینکه صحیح و سالم به همان نقطه باز گردد و دعا این است که انسان سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و نیز سه مرتبه بگوید: «بِاللَّهِ وَ الْخُرُوجِ وَ بِاللَّهِ ادْخُلْ وَ عَلِيَّ اللَّهُ اتَّوَكَّلْ، بِه امید خدا بیرون می‌روم و به امید خدا وارد می‌شوم به خداوند توکل می‌کنم» و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بَخِيرٍ وَ خْتَمْ لِي بِخَيْرِ وَقْتِي شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ اخَذَ بِنَاصِيئِهَا أَنْ رَبِّي عَلِيٌّ صِرَاطُ مُسْتَقِيمٍ، خدایا در برابرم در خیر بگشا و کارم را به خیر به پایان آور و از شر هر جنبنده‌ای که مهارش در دست توست، نگه دارم باش. همانا پروردگار من بر راه راست است». (اصول کافی، جلد ۲، ص ۵۴۰)

این دعای شریف در کتاب اصول کافی در باب خروج از منزل آمده است و مرحوم کلینی در نگارش این کتاب، در هر باب روایتی را که از نظر سند محکم‌ترین و از نظر جهت دلالت قوی‌ترین است در اول آن باب می‌آورد و با توجه به اینکه دعاهای بسیاری درباره خروج از منزل نقل شده است، این دعا دعای

# به امید خدا بیرون می روم و به امید خدا وارد می شوم

اول باب خروج از منزل است .

خاطره ای که در مورد این دعا وجود دارد، این است که قبل از انقلاب اسلامی، در مشهد عالم بزرگی به نام آیت الله حاج سید محمود مجتهدی زندگی می کردند. ایشان یکی از بزرگترین شاگردان علامه شیخ مجتبی قزوینی بود که در علوم مختلف نزد ایشان تلمذ کرده بود و خود دارای مقاماتی بودند و ضمناً مرحوم سید محمود مجتهدی برادر آیت الله العظمی سیستانی هم هستند که در مشهد، تفسیر و علوم رسمی را تدریس می کردند و بنده نزد ایشان کفایة الاصول را می خواندم. ایشان می فرمودند در سال ۴۲ بواسطه ورود علامه شیخ مجتبی قزوینی به مبارزات سیاسی علیه رژیم طاغوت به تبع آیت الله (امام) خمینی<sup>(۱)</sup>، من نیز وارد مبارزه شدم و ساواک نیز در پی دستگیری من بود و به همین علت در منزلی مخفی شده بودم و وضع من سخت شده بود، که فکر می کردم با این اوضاع دیگر هیچ گاه آزاد نخواهم بود و با خودم می گفتم: آیا می شود یک روز کوه و در و دیوار خیابان را ببینم؟ تا اینکه سرانجام ساواک محل اختفای من را پیدا کرد و دستگیرم کردند که به ساواک ببرند. در هنگام بیرون رفتن از منزل جلوی در ایستادم و دعای خروج از منزل امام صادق<sup>(ع)</sup> را خواندم و راه افتادم. زمانی که من را می بردند به مغازه فرنی فروشی ای رسیدیم و داخل مغازه رفتیم و دست و صورتم را شستم. داشتم از مغازه خارج می شدم که پیرمردی جلو آمد و گفت: حاج آقا کجا می روید؟ جواب دادم که من را دستگیر کرده اند و دارند به ساواک می برند. پیرمرد رمزی به من یاد داد و گفت: شما وقتی به ساواک رفتید و در مقابل بازجو قرار گرفتید و خواست از شما سؤال و جواب کند. زیر لب بگو: «یا ابا صالح ادرکنی»<sup>۱</sup>.

بعد از این به طرف ساواک رفتیم و به آنجا که رسیدیم، دیدم قبل از ما علمای دیگری را هم گرفته اند و آنقدر آنها را شکنجه کرده اند و سرشان را با چکمه به زمین کوبیده اند که خون در کف سالن جاری بود. گفتم خدایا اینها که وضعشان مثل من نیست، احوالشان این طور است. پس بامن چه خواهند کرد؟ زمانی که برای بازجویی رفتیم حرف آن پیرمرد مقابل بازجو عمل کردم و آنگاه که نوبت من بود، خیلی سلیس و روان و با استدلال صحبت می کردم، اما به محض اینکه بازجو من خواست صحبت کند آهسته می گفتم: «یا ابا صالح ادرکنی» و باز پرس حرف هایش را فراموش می کرد و نمی توانست جمله هایش را به هم وصل کند و در واقع توانستم او را محکوم کنم.

سرانجام ظرف دو روز صحیح و سالم برگشتم و این برگشتن اثر مستقیم دو چیز بود: اول دعای خروج از منزل امام صادق<sup>(ع)</sup> و دوم رمزی که آن پیرمرد به من یاد داد و این دو باعث شدند که در آن ماجرا پیروز شوم.

۱. «یا ابا صالح ادرکنی» که کلمه «مهدی» را هم ندارد و در واقع یاری جستن از یاوران امام عصر<sup>(عج)</sup> است که حضرت آنها را برای کمک به افرادی که گرفتارند و نیاز به کمک دارند، گمارده است.